ای یاران من لسان بشکرانه محبوب لامکان بگشائید که جهان را برخی چون مه تابان روشن فرمود و سراجهای وهاج برافروخت و بعالم لامکان صعود فرمود فیضش جاوید است و موهبتش دائم و باقی و در مزید رحمتش سابق است و حجتش بالغ و کوکب فیضش شارق مواهبش پایانی نه و الطافش را حصر و انتهائی نیست یاران باوفایش بجنود ملکوت ابهی مؤیدند و دوستانش بجیوش ملأ اعلی موفق هر دم بخششی تازه و عطائی بی‌اندازه ظاهر میفرماید اطفال را از ثدی عنایت شیر میدهد و نوجوانان را مانند نهال بیهمال در حدیقه الطاف برشحات سحاب عنایت نشو و نما می‌بخشد کاملان را بتجلی کمالات الهیه بهره‌مند مینماید و پیران سالخورده را از باده عشق و محبتش سرمست و پرنشئه و نشاط میفرماید ستایش و پرستش چنین خداوندی را سزاوار و لایق است که پرتو عنایتش مانند ابر نیسانی در فیضانست و نور احدیتش از افق عزت قدیمی چون مه تابان ای یاران بشکرانه آن دلبر یگانه بپردازید و فرح و طرب انگیزید و بدامن الطافش بیاویزید